

# تحلیل اثرات پایداری اجتماعی بر میزان ادراک امنیت تصرف در سکونتگاه‌های غیررسمی

مطالعه موردی: محله کشتارگاه شهر ارومیه

بهمن احمدی - دانشجوی دکترای شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.  
بهناز امین‌زاده گوهرریزی<sup>۱</sup> - دانشیار دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۷/۰۴

## چکیده

تجارب علمی و عملی در رابطه با رویکردهای ارتقای امنیت تصرف در سکونتگاه‌های غیررسمی نشان داده که امنیت تصرف یک حس است که تنها از طریق ابزارهای رسمی و قانونی همچون سند مالکیت به دست نمی‌آید. امروزه به جای ارتقای امنیت تصرف از طریق فاکتورهای قانونی، استفاده از ابزارهای میانجی‌گر مرسوم شده است. با توجه به این سؤال که آیا پایداری اجتماعی می‌تواند به عنوان یک ابزار میانجی‌گر مطرح باشد، هدف این تحقیق بررسی و سنجش تأثیرات توسعه پایدار اجتماعی بر میزان امنیت تصرف در محله کشتارگاه شهر ارومیه می‌باشد. در این تحقیق از شاخص‌های عدالت فضایی و انسجام اجتماعی برای تبیین پایداری اجتماعی و از پنج شاخص نیز برای سنجش میزان امنیت تصرف ادراکی ساکنان محله کشتارگاه استفاده شده است. روش تحقیق در این مقاله از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و در آن از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه و از تکنیک‌های تحلیل شبکه در محیط ArcGIS، تحلیل فازی و روش‌های آماری چون ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که با افزایش میزان انسجام اجتماعی و تأمین عدالت فضایی در دسترسی به خدمات شهری، میزان امنیت تصرف ادراکی ساکنان محله کشتارگاه افزایش می‌یابد؛ بدین گونه که تغییری به اندازه یک واحد انحراف معیار در انسجام اجتماعی و دسترسی به عدالت فضایی به ترتیب موجب تغییر ۰٫۸۷۳ و ۰٫۷۹۲ واحد انحراف معیار در میزان امنیت تصرف ادراکی ساکنان محله می‌شود. بنابراین می‌توان گفت حرکت به سمت پایداری اجتماعی می‌تواند زمینه‌ساز افزایش حس امنیت تصرف زمین و مسکن در ساکنان محله کشتارگاه باشد.

**واژگان کلیدی:** پایداری اجتماعی، امنیت تصرف ادراکی، سکونتگاه غیررسمی، محله کشتارگاه شهر ارومیه.

۲۹

شماره بیستم

پاییز ۱۳۹۵

فصلنامه علمی-پژوهشی

مطالعات شهری

تحلیل اثرات پایداری اجتماعی بر میزان ادراک امنیت تصرف در سکونتگاه‌های غیررسمی

## ۱. مقدمه

اسکان غیررسمی عامل برجسته و غالب در شهرنشینی و تهیه مسکن برای فقرای شهری است. این‌گونه سکونتگاه‌ها، در واقع شکل بی‌ضابطه‌ای از تجمع مکانی گروه‌های کم‌درآمد در نقاط آسیب‌پذیر شهرند که به صورت سازمان نیافته و خارج برنامه رسمی شهر ایجاد می‌گردند و متشکل از واحدهای مسکونی‌اند که بدون رعایت اصول فنی ساختمان، ساخته شده و فاقد مجوز رسمی می‌باشند (Sarraf, 2003: 46 & Harvey, 1997: 72). شاخص‌های اصلی سکونتگاه‌های غیررسمی معمولاً با عواملی مانند فقدان خدمات پایه و اساسی، فقدان امنیت تصرف زمین، سکونت خانوارهای کم‌درآمد و وابستگی شدید به فرصت‌های شغلی غیررسمی بیان می‌شوند (Irandoost, 2009: 20 & Harvey, 1997: 72). در این میان، فقدان امنیت تصرف یکی از چالش‌های اساسی در این سکونتگاه‌ها می‌باشد؛ که این مسئله منجر به آسیب‌های روانی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به خانوارهای ساکن در این سکونتگاه‌ها می‌شود. بنا به گفته سازمان اسکان بشر سازمان ملل متحد، عامل فقدان امنیت تصرف در سکونتگاه‌های غیررسمی به عنوان چرخه فلاکت عمل کرده و پایه‌ای برای سایر محرومیت‌های خانوارها می‌باشد.

ارتقای امنیت تصرف رویکردی است که در سال ۲۰۰۳ توسط سازمان اسکان بشر به منظور توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی تدوین شده است. در ابتدا شاخص‌های قانونی چون سند رسمی و مالکیت به عنوان معیارهایی برای سنجش و ارتقای امنیت تصرف به کار گرفته شد، اما طبق مطالعات سازمان اسکان بشر مشخص شد که ارائه سند قانونی برای ارتقای امنیت تصرف (به خصوص در کوتاه‌مدت) عامل مناسبی نیست چراکه منجر به احتکار در بازار زمین و مسکن شده و در نهایت منجر به فروش مسکن‌های موجود و تشکیل اجتماعات غیررسمی جدید می‌شود. با مطالعات افرادی چون پین (2006 & 2004)، کریو و پریسول (2004) و دیگر پژوهشگران، شاخص‌های عرفی یا فراقانونی نیز به منظور تبیین امنیت تصرف و سنجش آن مد نظر قرار گرفت. همزمان با این روند در سال ۲۰۰۴ در سمینار برگزار شده در سازمان اسکان بشر، توسعه پایدار سکونتگاه‌های غیررسمی به عنوان یکی از محورهای نشست مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به ماهیت این سکونتگاه‌ها، تأکید اصلی بر توسعه پایدار اجتماعی به منظور توانمندسازی و ارتقای امنیت تصرف در این سکونتگاه‌ها بوده است؛ در واقع استفاده از ابزاری که با تأکید بر ابزارهای عرفی و فراقانونی و نه صرفاً قانونی منجر به افزایش امنیت تصرف شود. ون گلدرد در سال ۲۰۰۹ با تکمیل و جمع‌بندی مطالعات صورت گرفته به این نتیجه رسید که امنیت تصرف در سکونتگاه‌های غیررسمی یک حس است که ناشی از برآیند شاخص‌های قانونی و عرفی امنیت تصرف می‌باشد و حرکت به سمت توسعه پایدار می‌تواند بسترساز ارتقای امنیت تصرف در این سکونتگاه‌ها باشد.

هدف این تحقیق بررسی و سنجش تأثیرات توسعه پایدار اجتماعی بر میزان امنیت تصرف در محله کشتارگاه شهر ارومیه می‌باشد. این محله بزرگترین اسکان غیررسمی در سطح شهر ارومیه است

که از اواسط دهه ۴۰ شکل گرفت و با توسعه خزنده و تقسیم اراضی کشاورزی حاشیه شهر رشد نمود. به طوری که هم‌اکنون وسعت تقریبی آن ۱۴۲ هکتار بوده و رشد این سکونتگاه به صورت بازتقسیم اراضی مسکونی و اناق نشینی ادامه دارد. با توجه به ادبیات نظری، فقدان امنیت تصرف منجر به آسیب‌های روانی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به خانوارهای ساکن، عدم سرمایه‌گذاری در مسکن و عدم همکاری ساکنان با حکومت دولتی در راستای ارتقای کیفیت محیط مسکونی خود می‌شود. این موضوع را می‌توان در محله کشتارگاه نیز مشاهده کرد. به دلیل پایین بودن امنیت تصرف، ساکنان تمایلی برای سرمایه‌گذاری در بهبود وضعیت فعلی مسکن خود ندارند و از طرفی با بی‌اعتمادی و بدبینی نسبت به نهادهای مدیریت شهری، حتی در برابر اقدامات مثبت شهرداری به منظور ارتقابخشی این سکونتگاه، مقاومت می‌کنند.

بدین ترتیب با رجوع به ادبیات نظری و مسئله‌ای که وجود دارد، می‌توان سؤال این تحقیق را بدین گونه مطرح نمود: حرکت به سمت پایداری اجتماعی چه تأثیراتی بر میزان امنیت تصرف ساکنان محله کشتارگاه خواهد داشت؟ البته گفتنی است که با توجه به وسعت شاخص‌های پایداری اجتماعی، در این تحقیق استفاده از دو شاخص عدالت فضایی (دسترسی به خدمات شهری) و انسجام اجتماعی مد نظر بوده است. همچنین برای پاسخ به سؤال تحقیق، دو فرضیه زیر مطرح شده‌اند:

- به نظر می‌رسد با ارتقای سطح انسجام اجتماعی در محله کشتارگاه، میزان امنیت تصرف ادراکی ساکنان افزایش یابد.
- به نظر می‌رسد با تأمین عدالت فضایی به منظور دسترسی به خدمات شهری در محله کشتارگاه می‌توان میزان امنیت تصرف ساکنان را افزایش داد.

## ۲. روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش نیز علمی-تحلیلی می‌باشد. از ادبیات نظری برای تعیین شاخص‌های تحقیق و از پیمایش، مطالعات میدانی و پرسشنامه برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نظر استفاده شده است. برای تعیین نمونه‌ای از جامعه آماری نیز از فرمول کوکران استفاده شده است که حدود 256 خانوار (سرپرست خانوار) به عنوان جامعه آماری تحقیق معین شده‌اند. در نمونه‌گیری از روش خوشه‌ای منظم استفاده شده تا نمونه‌ها به صورت مساوی در سطح محله پخش شده باشند. برای سنجش عدالت فضایی از تحلیل شبکه در محیط GIS استفاده شده است؛ بدین صورت که فاصله خدمات شهری با استفاده از تحلیل شبکه در محیط GIS (تا هر یک از نمونه‌ها) مورد سنجش قرار گرفته و نقشه‌های مربوطه تهیه می‌شوند. برای ترکیب نقشه‌ها از تلفیق روش AHP و روش فازی استفاده شده است. با توجه به این که خدمات شهری دارای معیارها و زیرمعیارها بوده و ساختاری سلسله‌مراتبی و درختی دارند، برای وزن دهی به آنها از روش AHP استفاده شده است. بدین منظور از میانگین حسابی نظرات سه گروه نمونه آماری مورد مطالعه، مسئولان شهری ارومیه و جمعی از کارشناسان علمی اعم از دانشجویان

و اساتید رشته برنامه‌ریزی شهری و همچنین برای تعیین ضریب اهمیت و میزان سازگاری قضاوت‌ها از نرم‌افزار Expert Choice استفاده شده است. در مرحله بعد با استفاده از تدوین روابط فازی براساس لایه‌های موجود و وزن‌دهی به آنها، نقشه نهایی که حاوی امتیاز بین صفر تا یک هر یک از نمونه‌هاست، استخراج شده است.

برای ترکیب فواصل به دست آمده از تحلیل شبکه‌ای برای هر یک از کاربری‌ها در هر پلاک، باید فواصل به دست آمده بی‌مقیاس شوند تا بتوان آنها را با یکدیگر ترکیب کرد. بدین منظور از تابع فازی استفاده می‌شود که تابعی خطی است و داده‌ها را به صورت خطی از حالت کلاسیک به حالت فازی تبدیل می‌کند.

رابطه شماره ۱: تابع فازی بی‌مقیاس سازی فواصل دسترسی به خدمات

$$f(x) = \begin{cases} 0 & x > b \\ 1 - \left( \frac{x - x_{min}}{\Delta x} \right) & a < x < b \\ 1 & a > x \end{cases}$$

در این رابطه  $F(X)$  تابع فازی،  $X$  عامل دسترسی،  $a$  کمترین مقدار،  $b$  بیشترین مقدار قابل قبول برای عامل دسترسی و  $\Delta X$  اختلاف بین این دو مقدار ( $a$  و  $b$ ) می‌باشد. پس از مشخص شدن ضرایب اهمیت زیرمعیارهای مربوط به شاخص دسترسی به خدمات و همچنین به دست آوردن مقادیر فازی فاصله پلاک‌ها از کاربری‌های خدماتی، برای ترکیب این مقادیر و برآیند آنها که نشانگر میزان دسترسی ساکنان به خدمات شهری است، از تابع زیر استفاده شده است:

رابطه شماره ۲: تابع ترکیب مقادیر فاز:

$$p(x) = \sum_{i=1}^n w_i f(x)$$

در این تابع،  $P(X)$  نشانگر مقادیر فازی به دست آمده برای هر پلاک از مقادیر فازی فاصله‌ها و ضریب اهمیت زیرمعیارها،  $w_i$  نشانگر ضریب اهمیت زیرمعیارها و  $F(X)$  مقادیر فازی به دست آمده برای هر پلاک می‌باشد. براین اساس، هر چه امتیاز نهایی به عدد یک نزدیک‌تر باشد، نشان دهنده دسترسی مناسب پلاک‌ها به خدمات شهری خواهد بود.

برای سنجش انسجام اجتماعی و امنیت تصرف ادراکی استفاده از پرسشنامه مد نظر بوده و برای کمی کردن گوی‌های پرسشنامه نیز از طیف لیکرت پنج‌تایی استفاده شده است. در نهایت از میانگین حسابی برای به دست آوردن میزان امتیاز نهایی شاخص‌های این بخش استفاده شده است. همچنین برای آزمون فرضیه‌های تحقیق نیز استفاده از روش‌های آماری رگرسیون خطی و ضریب همبستگی پیرسون مد نظر بوده است که میزان ضریب تعیین ( $R^2$ ) نشان دهنده وجود یا عدم وجود رابطه و میزان این رابطه میان متغیرهای تحقیق خواهد بود.

### ۳. مبانی نظری و ادبیات موضوع

#### ۳.۱. امنیت تصرف در سکونتگاه‌های غیررسمی

تا ابتدای دهه ۱۹۷۰، تحت تأثیر نگرش لیبرالی، حداقل دخالت دولت در امر مسکن و همچنین پدیده اسکان غیررسمی دستور کار بسیاری از دولت‌ها بود. نادیده گرفتن غالباً بر این فرض استوار بوده که این سکونتگاه‌ها اجتناب‌ناپذیر بوده، اما پدیده‌ای گذرا هستند که با توسعه اقتصادی و به مرور زمان مشکل آنها برطرف خواهد شد (UN-HABITAT, 2003:21). به مرور زمان روشن شد که وعده‌های لیبرالیسم در رفع مشکل سکونتگاه‌های غیررسمی و فقیرنشین چندان درست نبوده و این نکته آشکار شد که توسعه اقتصادی نمی‌تواند تحول مورد انتظار را در مورد سکونتگاه کم‌درآمد ایجاد کند. از این رو در شرایط ناتوانی بسیاری از دولت‌ها، مقابله با سکونتگاه‌ها، حذف، تخلیه اجباری و تخریب سکونتگاه‌های غیررسمی به رویکرد و روشی فراگیر بدل شد. این رویکرد در طی دهه‌های بعد (اواسط دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰) توسط افرادی همانند ترنر و آبرامز مورد نقد قرار گرفت. به نظر این محققان، ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی توان بالقوه ارتقای محلات خود را دارا هستند و فقط نیاز است که جهت دهی خاصی شوند (Irandoost, 2007:41-45). بنابراین این محققان رویکرد خودیاری را در دهه ۸۰ برای بهبود سکونتگاه‌های غیررسمی عنوان کردند. رویکرد خودیاری در سال‌های بعد با انتقادهای جدی مواجه شد که از مهم‌ترین این انتقادهای می‌توان به عدم انگیزه ساکنان برای سرمایه‌گذاری در خانه‌هایی که به طور رسمی مالک آن نبودند، اشاره کرد (Mukhija, 2001:215).

انتقادهای وارد بر رویکرد خودیاری در دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی، بسیاری از دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی را بر آن داشت که به مسئله مالکیت و امنیت تصرف در سکونتگاه‌های غیررسمی توجه بسیاری را مبذول دارند. دسوتو تأکید دارد که سند موجب آزادسازی قدرت اقتصادی مردم می‌شود. خانه‌ای که سند ندارد، از دید او سرمایه مرده است؛ زیرا سازنده نمی‌تواند از آن به عنوان ضمانت برای دریافت وام استفاده کند. اعطای سند واقعی به مردم اجازه می‌دهد که وام مسکن بگیرند، به آنها قدرت می‌دهد به اتکای ساختمان قانونی خود، پول نقد و اعتبار تهیه کنند (De Soto, 2000:76-92). براین اساس ارتقای امنیت تصرف با استفاده از ابزارهای قانونی در دستور کار قرار گرفت. پاتل در مقاله‌ای سیاست‌های پیاده شده دولت هندوستان به منظور ارتقای امنیت تصرف نواحی غیررسمی با استفاده از ابزارهای قانونی را مورد بررسی قرار داد. یافته‌های میدانی او در ناحیه احمدآباد نشان می‌دهد که پس از اهدای سند قانونی املاک، تا حدودی میزان ترس از تخلیه اجباری کاهش یافته ولی وضعیت زندگی ساکنان به خصوص از لحاظ اقتصادی تغییری نکرده است و عمدتاً ساکنان به فکر فروش خانه‌های خود و اقامت در محله غیررسمی دیگری هستند (Patel, 2016:112). پین معتقد است که ارائه سند به سکونتگاه‌های غیررسمی از یک طرف منجر به دست‌کاری روند بازارهای مسکن و زمین شهری شده و در بسیاری از موارد منجر به نابودی کامل آنها می‌شود. از طرف دیگر این امر منجر به افزایش ارزش و قیمت زمین

می‌شود. در نتیجه این رویکرد باعث افزایش میزان اجاره بهای زمین و مسکن شده و به صورت خودکار مستأجران ساکن در این سکونتگاه‌ها را مجبور به ترک و تخلیه این محلات می‌کند. بنابراین ارائه سند و قانونی کردن سکونتگاه‌های غیررسمی منجر به بالا رفتن کارایی و عدالت بازارهای زمین و مسکن شهری نمی‌شود (Payne, 2001: 423).

پس در سال ۲۰۰۲ از برنامه‌های ارائه سند مالکیت در اسکان غیررسمی به دلیل دسته‌بندی خشک سیستم‌های تصرفی و جابه‌جایی‌های صورت گرفته در بازارهای زمین و مسکن انتقاد کرد. توسط وی تحقیقی با عنوان «زمین، حقوق و ابتکارات: بهبود امنیت تصرف برای فقرا شهری» انجام گرفت که یافته‌های این تحقیق نشان می‌داد که سیستم‌های رایج تصرف زمین در بیشتر کشورهای جهان شامل چهار سیستم قانونی، عرفی، مذهبی و فراقانونی می‌باشند. وی در این تحقیق به این نتیجه رسید که برنامه‌های ارائه سند مالکیت قانونی در سکونتگاه‌های غیررسمی به دلیل بی‌توجهی به سیستم‌های تصرف عرفی همانند اندازه سکونتگاه‌ها، مدت سکونت ساکنان در سکونتگاه‌ها، شبکه‌های حمایت سیاسی یا محلی و ... با شکست مواجه شده‌اند (Payne, 2002: 103-106). وی معتقد است تنظیم و ارتقای امنیت تصرف باید بخشی از اقدامات به هم پیوسته باشد که در آن ایجاد فرصت برای دسترسی به فرصت‌های شغلی، ارائه خدمات پایه و خدمات شهری و گزینه‌های مناسب قانونی برای پاسخگویی به نیازهای همه گروه‌ها به خصوص فقرا، مد نظر قرار گیرد (Payne, 2004: 198). پریو و کریسول با بررسی سکونتگاه‌های غیررسمی در شهر مترومالینا به این نتیجه رسیدند که امنیت تصرف زمین تنها ناشی از عوامل قانونی همانند سند رسمی دولتی نیست بلکه در کنار سند رسمی، متغیرهای دیگری همانند خدمات پایه و زیرساختی محله (مثل ایجاد مراکز سلامت، زمین بازی برای کودکان) و فرصت‌های شغلی در افزایش امنیت تصرف زمین مؤثر می‌باشد. این محققان در پایان نتیجه‌گیری کردند که برای رسیدن به امنیت تصرف زمین بایستی برنامه‌های مسکن به سمت کاهش فقر و ارائه خدمات زیربنایی در سکونتگاه‌های غیررسمی سوق داده شود (Porio & Crisol, 2004: 216). ناکامورا با مطالعات انجام داده در نواحی فقیرنشین شهر پونه به این نتیجه می‌رسد که به منظور ارتقای حس امنیت تصرف می‌بایست در کنار ابزارهای قانونی از ابزارهای عرفی یا فراقانونی نیز استفاده کرد. بهبود کیفیت زندگی و افزایش دسترسی به زیرساخت‌ها و خدمات شهری موجب ارتقای امنیت تصرف در میان ساکنان پونه شده و بر میزان انگیزه آنها برای سرمایه‌گذاری در مسکن (بهبود شرایط فیزیکی فعلی آن) افزوده است (Nakamura, 2016(a): 161).<sup>۱</sup> بر این اساس، امنیت تصرف از بعد صرفاً قانونی خارج شده و مشخص شد که شاخص‌هایی عرفی و فراقانونی وجود دارند که می‌توانند به مرور زمان میزان امنیت تصرف در سکونتگاه‌های غیررسمی را افزایش دهند.

از دیدگاه ون گلدر امنیت تصرف چیزی بیش از میزان امنیتی که خانوار از موقعیت تصرف خود ادراک می‌کند، نیست. وی در تعریف امنیت تصرف ادراکی، به احساسات افراد مثل اضطراب، نگرانی و ترس اشاره دارد که از وضعیت تصرف ناشی می‌شود. مطالعات وی نشان داد که میزان این امنیت ناشی از عوامل قانونی همانند سند رسمی و عوامل فراقانونی درون محلی همانند قدرت سازمان‌های محلی، مدت سکونت، اندازه سکونتگاه و ... می‌باشد (Van Gelder, 2009: 454). در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که برای ارتقای امنیت تصرف بهتر است، از بعد قانونی و ارائه سند رسمی در بلندمدت استفاده کرد و در کوتاه‌مدت به دنبال ابزار میانجی‌گر بود؛ ابزاری که سعی در ارتقای حس امنیت تصرف ساکنان این سکونتگاه‌ها داشته باشد.

### ۳.۲. تأثیر پایداری اجتماعی در ارتقای امنیت تصرف ادراکی

پس از مطرح شدن مفهوم توسعه پایدار در کنفرانس آینده مشترک ما و نشست زمین، این مفهوم در همه زمینه‌ها به خصوص توسعه شهری بسط پیدا کرد. باتن و رایلی معتقدند که توسعه پایدار شهری نه به معنای توسعه پایدار هر یک از زیرسیستم‌های اقتصادی، اجتماعی یا زیست‌محیطی به تنهایی و نه به معنای افزایش پایداری این زیرسیستم‌هاست؛ بلکه در عوض تلاش می‌کند که رشد اقتصادی، بازسازی و حفاظت اکولوژیکی و پیشرفت اجتماعی را متعادل سازد و دشواری این چالش، آن را به یک نقطه تمرکز عمده تحقیقات در سرتاسر جهان تبدیل نموده است (Riley, 2001: 125; Button, 2002: 224). پیترهال در خصوص معنا و مفهوم توسعه پایدار شهری می‌نویسد: "شکلی از توسعه امروزی که توان توسعه مداوم شهرها و جوامع شهری نسل‌های آینده را تضمین کند." از نظر وی پایداری شهری مستلزم وجود یک اقتصاد پایدار شهری موجد کار و ثروت، همبستگی و انسجام شهری، سرپناه پایدار شهری موجد مسکن مناسب و قابل تهیه برای همه، محیط زیست پایدار شهری موجد اکوسیستم‌های بادوام و پایا، دسترسی پایدار شهری موجد حفاظت از قابلیت‌های تحرک اجتماعی و مردم‌سالاری پایدار شهری موجد توانمندسازی حقوق و مرتبه شهروندی می‌باشد (Hall & Pfeiffer, 2003: 24-27).

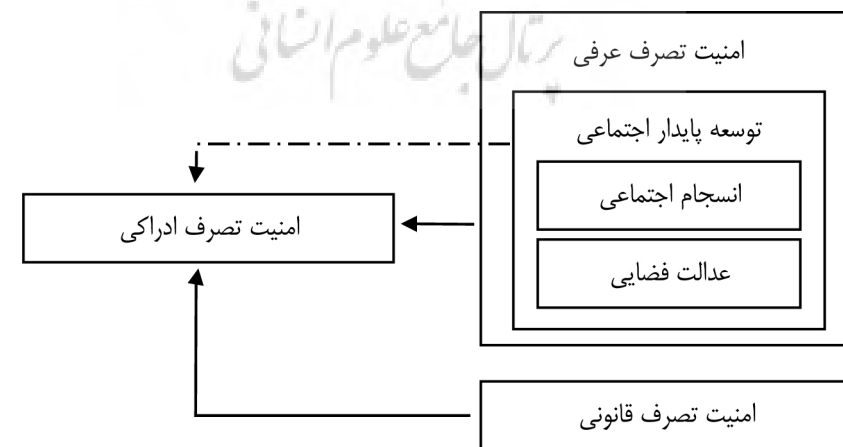
همان‌طور که بیان شد، پایداری به معنای ثبات نمی‌باشد، بلکه به معنای بقاست که در این بقا نباید به دنبال توسعه برابر زیرسیستم‌های زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی باشیم؛ بلکه باید میان آنها تعادل برقرار کنیم. باید توجه داشت که این تعادل در توسعه پایدار شهری با توجه به بستر و زمینه مورد برنامه‌ریزی تعریف خواهد شد. در سال ۲۰۰۴ در سمینار برگزار شده در سازمان اسکان بشر، توسعه پایدار سکونتگاه‌های غیررسمی به عنوان یکی از محورهای نشست مورد بررسی قرار گرفت و با توجه به ماهیت این سکونتگاه‌ها، تأکید اصلی بر توسعه پایدار اجتماعی به منظور توانمندسازی و ارتقای امنیت تصرف در این سکونتگاه‌ها بوده است (UN-HABITAT, 2004). محققان در تبیین توسعه پایدار اجتماعی از مؤلفه‌هایی چون عدالت فضایی، برابری اجتماعی،

۱ در مطالعات ناکامورا در سایر نواحی غیررسمی کشور هندوستان نیز، این امر به تأیید رسیده است. نگاه کنید به: (Nakamura, 2016(b))

انسجام اجتماعی، سرمایه اجتماعی، ثبات اجتماعی و... استفاده کرده‌اند. پایداری اجتماعی با مفاهیمی چون برابری اجتماعی، توزیع خوب و مناسب منابع، انسجام اجتماعی و اجازه دسترسی ساکنان به مشارکت فعال می‌تواند به توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی کمک کند (Dempsey et al, 2010:93). دمپسی معتقد است که توجه دو بعد عدالت اجتماعی (توزیعی) و انسجام اجتماعی موجب شده که سکونتگاه‌های غیررسمی به سمت رسمیت یافتن، حرکت کنند. وی بیان می‌کند عدالت اجتماعی به معنای توجه به ماهیت و وسعت دسترسی به خدمات و امکاناتی می‌باشد که در منطقه استقرار یافته است و انسجام اجتماعی عاملی است که سبب بسیج ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی در برابر نیروهای خارجی می‌شود (Dempsey et al, 2012:96). تحقیقات صورت گرفته در مناطق غیررسمی کشورهای جنوب صحرای آفریقا نشان داده است که همبستگی و انسجام اجتماعی ساکنان این نواحی به عنوان نیرویی مستحکم در برابر فشارهای دولت عمل کرده و میزان امنیت و امید به زندگی را در این نواحی افزوده است (Simbizi & et al, 2014:237). نیوویرث با بررسی محله غیررسمی روشینا در شهر ریودوژانیرو برزیل به این نتیجه رسیده است که وجود انسجام اجتماعی بالای ساکنان مانع از تخریب این سکونتگاه توسط سازمان‌های مدیریت شهری شده است. وی معتقد است همین نیرو با افزایش دادن حس امنیت تصرف، موجب تشکیل انجمن‌های محلی و مشارکت فعال ساکنان برای بهبود وضعیت محله شده است (Neuwirth, 2010:215). پریو و کریسول با مقایسه دو محله کامارین (محله‌ای غیررسمی) و محله پانسول (محله‌ای که به تازگی رسمی شده است) در شهر مترو مالینا، به این نتیجه رسیده‌اند که ایجاد مراکز سلامت، دبستان، زمین بازی برای کودکان و مراکز مذهبی تا حد زیادی به ارتقای امنیت تصرف ساکنان محله پانسول کمک کرده است. آنها معتقدند با توجه به این که از ارائه سند رسمی مسکن به ساکنان خودداری شده، ولی با ارائه خدمات، انگیزه ساکنان برای سرمایه‌گذاری در مسکن و بهبود وضعیت سکونت بهتر شده و این محله توانسته به سمت

رسمی شدن حرکت کند (Porio & Cresol, 2004:208-212). الن باست در کوبا طی تحقیقی، از عدالت فضایی و ارائه خدمات و تسهیلات به خصوص ایجاد مراکز خرید، مراکز درمانی و آموزشی به عنوان کلیدی برای حرکت به سمت امنیت تصرفی پایدار در این سکونتگاه‌ها یاد کرده است (Bassett, 2005:390). ماسدو نیز معتقد است که برقراری عدالت خدماتی در این سکونتگاه‌ها موجب به رسمیت شناختن آنها می‌شود. وی به این نتیجه می‌رسد که لازم نیست در کوتاه‌مدت به دنبال رسمیت بخشی به این سکونتگاه‌ها از طریق اهدای سند قانونی باشیم، بلکه باید به فکر ارتقای امنیت تصرفی آنها بود؛ وی در ادامه بیان می‌دارد که حرکت به سمت پایداری اجتماعی به خصوص از طریق ایجاد عدالت خدماتی، می‌تواند سبب ارتقای امنیت تصرف ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی شود. (Macedo, 2008:263). ون گلدرو و رلینک خاطر نشان می‌کنند که برخورداری از خدمات پایه و خدمات اجتماعی تا حد زیادی ترس از تخلیه را در میان ساکنان کاهش داده؛ چرا که ارائه خدمات به نوعی رسمیت بخشی به این نواحی بوده و سبب افزایش امنیت تصرف ادراکی ساکنان می‌شود (Van Gelder & Reelink, 2010:82).

همان‌طور که در بالا مشاهده شد، تجربیات محققان نشان داده است که از میان عوامل تبیین‌کننده پایداری اجتماعی، دو عامل انسجام اجتماعی و عدالت فضایی می‌توانند بر میزان امنیت تصرف ادراکی ساکنان در سکونتگاه‌های غیررسمی تأثیرگذار باشند. بدین جهت با استناد به مبانی نظری، در این تحقیق، بر این دو مؤلفه توسعه پایدار اجتماعی و نقش آن بر امنیت تصرف در سکونتگاه‌های غیررسمی تأکید شده است. حرکت به سمت توسعه پایدار اجتماعی و به خصوص بهره‌گیری از ابزارهایی چون انسجام اجتماعی و عدالت فضایی می‌تواند به عنوان تسهیل‌گری عمل کند که سبب ارتقای امنیت تصرف ادراکی ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی شود. در واقع می‌توان گفت که توسعه پایدار اجتماعی به عنوان بخشی عاملی در درون امنیت تصرف عرفی می‌تواند بر امنیت تصرف ادراکی ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی تأثیرگذار باشد.



تصویر شماره ۱: نحوه تأثیر توسعه پایدار اجتماعی بر میزان امنیت تصرف ادراکی در سکونتگاه‌های غیررسمی

### ۳.۲. شاخص‌های تحقیق

شاخص‌های تحقیق پس از مطالعات نظری و شناخت نسبی از محله کشتارگاه و با تلفیق نظرات محققان ایرانی و خارجی پیرامون سکونتگاه‌های غیررسمی انتخاب شده‌اند. در انتخاب شاخص‌ها، دسترسی به اطلاعات و همچنین اعتبار این شاخص‌ها در محله کشتارگاه نیز مد نظر بوده است. همان طور که در ادبیات نظری بیان شد، با تأمین عدالت فضایی به منظور دسترسی به خدمات شهری می‌توان در راستای ارتقای امنیت تصرف گام برداشت. برای کشف این رابطه محققان با بررسی محدوده هدف و مطالعه افکار صاحب‌نظران ایرانی چون رفیعیان (۲۰۰۴)، پورمحمدی (۲۰۰۶) و رضوانیان (۲۰۰۲) شاخص‌های زیر را انتخاب نموده‌اند: دسترسی به مراکز خرید روزانه (بقالی، میوه‌فروشی و نانوايي)، دسترسی به مراکز آموزشی (مهد کودک، دبستان، دبیرستان)، دسترسی به مراکز ورزشی (سالن یا زمین ورزشی)، دسترسی به مراکز فرهنگی (مسجد و کتابخانه)، دسترسی به مراکز تفریحی (پارک و فضای سبز)، دسترسی به مراکز اداری-خدماتی (مراکز پست و خدمات بانکی) و دسترسی به مراکز خدماتی-درمانی (درمانگاه و داروخانه). برای سنجش انسجام اجتماعی در محدوده مورد نظر با استفاده از نظرات افرادی چون دمپسی (۲۰۱۲ & ۲۰۱۱)، پین (۲۰۰۴) و پیران (۲۰۰۲)، از چهار شاخص: طول مدت سکونت، میزان قدرت و همبستگی سازمان‌های محلی، میزان انسجام خویشاوندی و دوستان و میزان تمایل ساکنان برای همکاری با یکدیگر در راستای بهبود وضعیت سکونتی محله استفاده شده است. طبق نظرات ون گلدن (۲۰۱۰) و افرادی چون دسوزا (۲۰۰۱) و رلینک (۲۰۱۰) برای سنجش امنیت تصرف ادراکی از پنج شاخص نگرانی از غیررسمی بودن محله، نگرانی از میزان نارضایتی شهرداری از سکونت در محله، نگرانی از بی‌خانمانی بعد از تخلیه، احتمال تخلیه اجباری در هر لحظه و نگرانی تخلیه اجباری مکان در پنج سال آینده استفاده شده است.

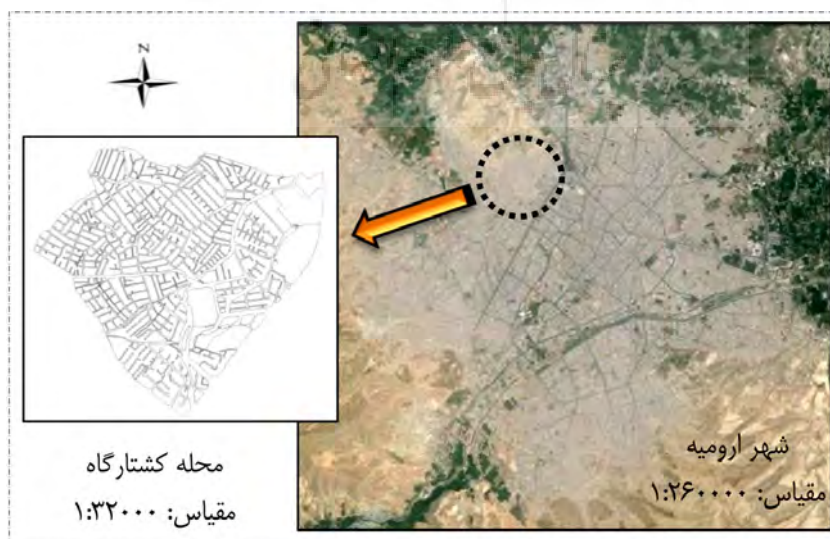
### ۴. محدوده مورد مطالعه

محله کشتارگاه با وسعت نسبی ۱۴۷ هکتار، در شمال غربی شهر ارومیه و در منطقه سه طرح تفصیلی این شهر جای گرفته است. ساخت‌وساز در این محله از دهه ۵۰ و تحت الگوی تصرف خزنده و تقسیم اراضی کشاورزی و بایر شروع شده و هم‌اکنون به صورت بازتقسیم فضاهای مسکونی و اتاق‌نشینی همچنان در حال گسترش می‌باشد. مطابق آمارهای موجود مرکز آمار ایران در سال ۹۰ در محله کشتارگاه حدود شش هزار و ۴۳۵ خانوار با جمعیت ۳۴ هزار و ۲۹۶ نفر سکونت دارند. اقتصاد این محله بیشتر بر بازار غیررسمی متکی بوده و اغلب ساکنان این محله در مشاغل چون دست‌فروشی و کارگری مشغول به کار هستند. با توجه به فقر نسبی ساکنان محله، خانه‌ها عمدتاً از مصالح غیرمقاوم ساخته شده و میزان زیربنا و مساحت قطعات پایین‌تر از متوسط در شهر ارومیه می‌باشد. همچنین محله به سبب تصرف خزنده ساکنان و تغییر کاربری غیرقانونی اراضی کشاورزی و بایر به مسکونی و بازتقسیم غیررسمی این فضاها، از لحاظ حقوقی نیز دارای مشکلات عمده‌ای است؛ به طوری که تنها ۳۲ درصد ساکنان محله کشتارگاه دارای مالکیت عرصه و اعیان مسکن خود و فقط ۲۷ درصد دارای سند رسمی و قانونی برای مسکن خود می‌باشند. کاربری اراضی وضع موجود نیز نشان دهنده عدم توزیع مناسب خدمات شهری به خصوص در بخش شمالی محدوده می‌باشد.

### ۵. یافته‌های تحقیق

#### ۵.۱. سنجش میزان امنیت تصرف ادراکی در محله کشتارگاه

محله کشتارگاه از آغاز پیدایش تاکنون جزو یکی از مناطق غیررسمی شهر ارومیه شناخته شده و در طرح‌ها و برنامه‌های مربوط به شهر ارومیه نیز صفت غیررسمی برای نامیدن آن استفاده شده است. در میان ساکنان شهر نیز این محدوده به عنوان محله‌ای غیررسمی، ناامن و پراز بزه‌های شهری شناخته می‌شود. در صورتی که در واقع این گونه نمی‌باشد و آمارهای رسمی جرم



تصویر شماره ۲: موقعیت محدوده مورد مطالعه در شهر ارومیه

و بزه شهر ارومیه نشان می‌دهد که میزان جرایم اتفاق افتاده در مرکز شهر ارومیه خیلی بیشتر از محله کشتارگاه است. این عوامل موجب شده‌اند که نگرانی‌هایی نزد ساکنان به وجود آید. با توجه به مصاحبه‌های انجام گرفته در محدوده بیشترین نگرانی در مورد برخورد دستگاه‌های مدیریت شهری با محله و عدم اعطای حقوق شهروندی آنان است. برای سنجش میزان نگرانی از سکونت در محله‌ای غیررسمی، از ساکنان خواسته شده که در یک طیف پنج‌تایی (از خیلی کم تا خیلی زیاد) میزان نگرانی خود را از موضوع بیان دارند. میانگین امتیاز ساکنان محله به این شاخص برابر ۳,۰۵ بوده که بیان‌کننده میزان بینابینی از نگرانی و عدم نگرانی است. در نظرسنجی که از ساکنان محله صورت گرفت، میانگین نگرانی از میزان نارضایتی شهرداری از سکونت در محله برابر ۳,۱۰ بود که با توجه به آن کمی میل به سمت ناامنی در سکونت احساس می‌شود. همچنین در مصاحبه‌ای که با ساکنان محله شده مردم از کمبود خدمات شهری چون فضاهای آموزشی و بهداشتی-درمانی گله داشته و معتقد بودند شهرداری ارومیه رغبتی برای ایجاد چنین فضاهایی در سطح محله ندارد. به گفته چند تن از ساکنان «محله ما بار اضافه‌ای بر روی شهر است که شهرداری زیاد از به وجود آمدن آن راضی نیست». در واقع عدم سرمایه‌گذاری شهرداری در زیرساخت‌های خدماتی دلیل عمده این احساس نگرانی بوده است. در کل با توجه به این که میانگین امتیاز ساکنان محله به این شاخص برابر ۲,۷۱ بوده، احتمال تخلیه اجباری در نزد ساکنان، هر چند به صورت کم‌رنگ، وجود دارد. در محله کشتارگاه میزان ترس از تخلیه در آینده از احتمال تخلیه

در لحظه‌ای بیشتر بوده و میانگین امتیاز ساکنان به این شاخص برابر ۲,۹۱ می‌باشد. این شاخص همچون احتمال تخلیه از میانه نظری کمتر است و تداعی‌کننده نوعی احساس یا ادراک از امنیت تصرف ساکنان محله می‌باشد. شاخص نگرانی از بی‌خانمانی بعد از تخلیه در سکونتگاه‌های غیررسمی و به خصوص در محله کشتارگاه به طور عمده‌ای با توان اقتصادی خانوار نیز گره خورده است. در بررسی‌های انجام شده هر چه میزان نگرانی از این شاخص بیشتر بوده، توان اقتصادی خانوارها پایین‌تر بوده است. برای امتیاز دادن به این شاخص از ساکنان دو سؤال پرسیده شده است: «نداشتن سرپناه بعد از تخلیه احتمالی محله، تا چه میزان شما را نگران می‌کند؟» و «اگر قرار باشد واحد مسکونی خود را از دست دهید، تا چه حد نگران بی‌خانمان شدن هستید؟» بعد از تلفیق نتایج حاصله از این دو سؤال، میانگین امتیاز ساکنان به این شاخص برابر ۳,۷۷ بوده که نشان‌دهنده این است که این شاخص به منظور ایجاد ناامنی تصرف برای ساکنان عمل نموده است؛ البته نمی‌توان از تأثیر توان اقتصادی خانوارها در به وجود آمدن چنین نتیجه‌ای، چشم‌پوشی کرد.

همان‌طور که مشاهده شد، شاخص‌های امنیت تصرف ادراکی از جنس ترس و نگرانی هستند و با افزایش مقدار آنها در واقع ناامنی تصرف افزایش می‌یابد. برای سوق دادن این شاخص‌ها به سمت امنیت تصرف امتیاز هر شاخص در هر نمونه بررسی شده و به منظور نرمال‌سازی از عدد ۶ کم شده است تا این شاخص‌ها تبیین‌کننده امنیت تصرف باشند. برای تلفیق امتیاز شاخص‌ها نیز از روش میانگین حسابی استفاده شده است.

جدول شماره ۱۰: میانگین امتیاز شاخص‌های تبیین‌کننده امنیت تصرف ادراکی در محله کشتارگاه

شاخص	نمودار امتیاز (در بازه ۱ الی ۵)	میزان امتیاز
عدم نگرانی از غیررسمی بودن محله		۲,۹۴
عدم نگرانی از میزان نارضایتی شهرداری		۲,۸۹
عدم احتمال تخلیه اجباری در هر لحظه		۳,۲۸
عدم نگرانی از تخلیه اجباری در پنج سال آینده		۳,۰۸
عدم نگرانی از بی‌خانمانی بعد از تخلیه		۲,۲۳
میانگین امتیاز امنیت تصرف ادراکی		۲,۸۸

نتایج حاصل از تلفیق شاخص‌ها نشان می‌دهد که میزان امنیت تصرف ادراکی ۱۱ درصد از خانوارها بسیار کم، ۳۷ درصد کم، ۲۱ درصد در سطح متوسط، ۲۱ درصد زیاد و ۱۰ درصد خانوارها نیز دارای امنیت تصرف ادراکی بسیار زیاد می‌باشند. در مجموع وضعیت امنیت تصرف ادراکی در سطح محله کشتارگاه در حد متوسط و متوسط رو به پایین است.

#### ۵.۲. سنجش میزان انسجام اجتماعی

همان‌طور که در مبانی نظری تحقیق بیان شده، مدت سکونت در محله بر انسجام اجتماعی ساکنان تأثیرگذار است. پین (۲۰۰۴) در مطالعات خود تأثیرگذاری مدت سکونت بر انسجام اجتماعی در محلات غیررسمی را در پنج بازه کمتر از دو سال، ۲-۵ سال، ۵-۱۰ سال، ۱۰-۱۵ سال و بالای ۱۵ سال تقسیم‌بندی کرده و در

یک طیف پنج‌تایی از یک تا پنج به آنها امتیاز داده است. در بررسی محله کشتارگاه مشخص شد که ۲۵ خانوار زیر دو سال (این گروه عمدتاً مستأجران ساکن در محله بودند)، ۴۸ خانوار بین ۵-۳ سال، ۸۹ خانوار بین ۱۰-۵ سال، ۶۳ خانوار بین ۱۵-۱۰ سال و ۲۸ خانوار نیز بیش از ۱۵ سال در محله سکونت دارند. با استفاده از روش پین، میانگین امتیاز شاخص مدت سکونت در محله کشتارگاه برابر ۳,۰۵ می‌باشد.

در محله کشتارگاه شاهد همبستگی‌های نژادی و گروه‌های مذهبی هستیم. در این محله دو گروه عمده ترک و کرد وجود دارند که در قسمت‌های شرقی و غربی محدوده مستقر شده‌اند؛ البته میزان همبستگی این دو گروه در داخل خود محسوس است ولی میان دو گروه چندان مطلوب نمی‌باشد. در بین این

دو قشر شاهد وجود ریش سفیدانی هستیم که عموماً ساکنان از نظرات آنها تبعیت می‌کنند. وجود مساجد فراوان در محله برای همبستگی افزوده است؛ به طوری که این مکان به محلی برای اجتماع ساکنان برای تبادل نظر در مورد مشکلات محله تبدیل شده است. برای اندازه‌گیری این شاخص از ساکنان محل در طیف لیکرت پنج تایی این سؤال پرسش شده است: «میزان همبستگی سازمان‌های محلی (نهادهای قومی و دینی) را در محله چقدر ارزیابی می‌کنید؟» میانگین امتیاز ساکنان به این شاخص برابر ۳,۲۲ بوده که کمی بیشتر از میان نظری این شاخص می‌باشد. در محله کشتارگاه شاهد کوچه‌ها و معابری هستیم که افرادی با نام خانوادگی مشابه در کنار هم زندگی می‌کنند، حتی نام چند معبر به نام روستاهایی است که ساکنان فعلی مقیم آنجا بودند. به گفته خود آنان ابتدا یکی از آنها در محله ساکن شده و کم‌کم دوستان و آشنایان خود را نیز به سکونت در محله ترغیب نموده است. برای اندازه‌گیری میزان انسجام خویشاوندی و دوستان این سؤال پرسیده شده است: «اگر قرار باشد واحد مسکونی شما توسط سازمانی دولتی تصرف شود، خویشاوندان، همسایگان و آشنایان شما در این محله تا چه حدی از شما حمایت می‌کنند؟» میانگین امتیاز ساکنان به این شاخص برابر ۳,۸۴ بوده که نشان از انسجام بالای روابط خویشاوندی و دوستان در محله می‌باشد. ساکنان محله نسبت به محیط زندگی خود حساس بوده و تقریباً با مشکلات اصلی موجود در محله آشنا هستند و حتی چندین بار برای رفع آنها با شهرداری ارومیه و به خصوص شهرداری منطقه سه مکاتباتی داشته‌اند. از طرفی با توجه به آشنایی با فنون ساختمان‌سازی می‌توانند مشارکت خوبی به خصوص از لحاظ تأمین نیروی انسانی برای بهسازی و ساماندهی محله داشته باشند. طبق بررسی‌های محقق و پاسخ ساکنان به سؤال: «تا چه میزان تمایل دارید برای بهبود وضعیت سکونت خود با سایر ساکنان محله همکاری داشته باشید؟»، میانگین تمایل مشارکت ساکنان به حل مشکلات محله ۳,۱۷ از ۵ می‌باشد که نشان دهنده تمایل متوسط و متوسط به بالایی است.

همان طور که مشاهده می‌شود، در همه شاخص‌های تعیین کننده انسجام اجتماعی میانگین امتیاز بیش از حد متوسط بوده

است. میانگین حسابی شاخص‌های انسجام اجتماعی در محله کشتارگاه نیز برابر ۳,۳۲ می‌باشد که این امتیاز بیش از هر چیز تحت تأثیر همبستگی‌های قومی ساکنان این محله است. در مجموع میزان انسجام اجتماعی ساکنان این محله متوسط و متوسط رو به بالا ارزیابی شده است.

#### ۵,۳. سنجش میزان دسترسی به عدالت فضایی

همان‌گونه که در مبانی نظری تحقیق بدان اشاره شد، تأمین عدالت فضایی با دسترسی به خدمات شهری می‌تواند بر امنیت تصرف ساکنان در سکونتگاه‌های غیررسمی تأثیرگذار باشد. با توجه به دسته‌بندی معیارهای تبیین کننده عدالت فضایی، باید میزان اهمیت آنها در محله کشتارگاه شهر ارومیه مورد سنجش قرار گیرد. برای تعیین ضریب اهمیت معیارها و زیرمعیارهای دسترسی به عدالت فضایی، از روش مقایسه دودویی استفاده شده است. برای مقایسه دودویی و تعیین ضرایب اهمیت از ۲۵۶ نفر از ساکنان محله، ۳۸ تن از مسئولان نهادهای مدیریت شهری ارومیه و ۳۰ کارشناس علمی اعم از دانشجویان کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری و جامعه‌شناسی شهری دانشگاه تهران نظرخواهی صورت گرفته است. میانگین ضریب اهمیت معیارها و زیرمعیارها در سه گروه و میانگین حسابی نظرات این سه گروه برای انجام وزن‌دهی محاسبه شد (جدول شماره ۲). در مرحله بعد میزان سازگاری قضاوت‌ها با استفاده از نرم‌افزار Expert Choice اندازه‌گیری شد که میزان سازگاری قضاوت در معیارها برابر ۰,۰۶۸ و میزان سازگاری قضاوت در زیرمعیارهای مراکز خرید روزانه و مراکز آموزشی نیز به ترتیب ۰,۰۳۴ و ۰,۰۲۹ بوده است؛ با توجه به این که مقادیر به دست آمده کمتر از ۱ می‌باشند، نشان از سازگاری قضاوت‌ها دارند.

به منظور سنجش میزان دسترسی پلاک‌های محدوده مورد مطالعه به هریک از کاربری‌های خدماتی نیاز است تا دسترسی به هر کدام از کاربری‌ها، به صورت جداگانه تحلیل شود و سپس نتایج آنها با یکدیگر ترکیب شوند. البته گفتنی است که بیشترین و کمترین فاصله از کاربری‌های یاد شده از طریق مرور متون علمی و همچنین تکمیل پرسشنامه از اساتید و کارشناسان مربوطه به دست آمده است. به طور نمونه برای سنجش دسترسی به دبستان ابتدا باید مسیرهای موجود در محله و دبستان‌های موجود در یک سیستم

جدول شماره ۲: ضریب اهمیت معیارها و زیرمعیارهای دسترسی به عدالت فضایی

معیار	ضریب اهمیت	زیر معیار	ضریب اهمیت	ضریب اهمیت نهایی زیرمعیارها
مراکز خرید روزانه	۰,۲۲۰	بقالی	۰,۳۵۴	۰,۰۷۸
		نانوایی	۰,۴۸۰	۰,۱۰۶
		میوه فروشی	۰,۱۶۶	۰,۰۳۶
مراکز آموزشی	۰,۱۹۵	مهد کودک	۰,۳۶۹	۰,۰۷۲
		دبستان	۰,۴۹۴	۰,۰۹۶
مراکز تفریحی	۰,۱۸۰	دیپریستان	۰,۱۳۷	۰,۰۲۷
		پارک	۱	۰,۱۸۰
مراکز اداری-خدماتی	۰,۰۷۳	مرکز پست	۰,۲۳۴	۰,۰۱۷
		خدمات بانکی	۰,۷۶۶	۰,۰۵۶
مراکز ورزشی	۰,۰۸۸	زمین / سالن ورزشی	۱	۰,۰۸۸
		کتابخانه	۰,۴۰۳	۰,۰۵۹
مراکز فرهنگی	۰,۱۴۶	مسجد	۰,۵۹۷	۰,۰۸۷
		درمانگاه	۰,۴۰۲	۰,۰۳۹
		داروخانه	۰,۵۹۸	۰,۰۵۹



تحلیل شبکه تعریف گردند. در مرحله بعد با توجه به این که طبق نظر کارشناسان، بهترین فاصله از دبستان ۲۵۰ متری بیشترین فاصله قابل قبول تا دبستان ۱۲۰۰ متر می باشد، برای هر یک از پلاک ها با استفاده از تحلیل شبکه امتیازی میان صفر تا یک تعیین شده است. برای دیگر زیر معیارها نیز به همین ترتیب عمل شده است.

پس از مشخص شدن ضرایب اهمیت زیر معیارهای مربوط به شاخص های دسترسی به عدالت فضایی و همچنین به دست آوردن مقادیر فازی فاصله پلاک ها از کاربری های خدماتی، برای ترکیب این مقادیر و برآیند آنها که نشانگر میزان دسترسی ساکنان به عدالت فضایی است، از رابطه فازی استفاده شده است. مقادیر فازی به دست آمده بین صفر و یک متغیر است و هر قدر به عدد یک نزدیک تر باشد، نشان دهنده دسترسی مناسب پلاک ها به خدمات شهری خواهد بود.

محاسبات مورد نظر در نرم افزار ArcGIS صورت پذیرفته و نتایج حاصل از ترکیب مقادیر فازی در هر معیار و همچنین ترکیب کلی معیارهای دسترسی به عدالت فضایی در تصویر شماره ۴ آمده است. بیشترین مقدار که نشانگر مناسب ترین فاصله می باشد ۰،۷۹۴ و کمترین مقدار ۰،۱۴۱ به دست آمد. میانگین این مقادیر نیز برابر ۰،۵۱۲ است که نشان از سطح متوسط دسترسی به خدمات و عدالت فضایی در محله کشتارگاه دارد (تصویر شماره ۴).

#### ۶. بررسی تأثیرات پایداری اجتماعی بر امنیت تصرف ادراکی

برای رد یا اثبات فرضیه های تحقیق و همچنین تعیین میزان تأثیر متغیرهای انسجام اجتماعی و عدالت فضایی بر میزان امنیت تصرف ادراکی ساکنان، از روش آماری رگرسیون ساده و ضریب

همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج این آزمون نشان می دهد که انسجام اجتماعی بر میزان حس امنیت تصرف ساکنان محله کشتارگاه تأثیر معنی دار و مثبت داشته و این رابطه با درجه معنی داری ۰،۰۰۰ و در سطح اطمینان ۹۹ درصد با ضریب همبستگی ۰،۸۷۳ و ضریب تعیین ۰،۷۶۲ تأیید گردیده است. این موضوع نشان دهنده این مطلب است که با افزایش انسجام اجتماعی میزان امنیت تصرف ادراکی ساکنان نیز افزایش خواهد یافت (جدول شماره ۳). نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان می دهد که در بین شاخص های تعیین کننده انسجام اجتماعی، میزان انسجام خویشاوندی و دوستان (ضریب همبستگی ۰،۹۶۴) و طول مدت سکونت (۰،۸۸۹) بیشترین تأثیر را بر میزان امنیت تصرف (جدول شماره ۴).

همچنین نتایج آزمون رگرسیون نشان می دهد که تأمین عدالت فضایی بر میزان حس امنیت تصرف ساکنان محله کشتارگاه تأثیر معنی دار و مثبت داشته و این رابطه با درجه معنی داری ۰،۰۰۰ و در سطح اطمینان ۹۹ درصد با ضریب همبستگی ۰،۷۹۲ و ضریب تعیین ۰،۶۲۷ تأیید گردیده است. این موضوع نشان دهنده آن است که با افزایش دسترسی به عدالت فضایی، میزان امنیت تصرف ادراکی ساکنان نیز افزایش خواهد یافت (جدول شماره ۵). نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان می دهد که در بین شاخص ها، تبیین کننده عدالت فضایی، دسترسی به مراکز خرید روزانه (ضریب همبستگی ۰،۸۲۹)، دسترسی به مراکز آموزشی (۰،۸۱۳)، و دسترسی به مراکز خدماتی-درمانی (۰،۷۸۹) بیشترین تأثیر را بر میزان امنیت تصرف ساکنان داشته است (جدول شماره ۶).

جدول شماره ۳: رابطه میان انسجام اجتماعی و میزان امنیت تصرف ادراکی

سطح معنی داری	ضرایب استاندارد شده		ضرایب غیر استاندارد	
	Beta	Std. Error	B	Std. Error
۰،۰۰۰	۰،۸۷۳	۰،۰۰۴	۰،۲۰۶	
۰،۰۶۷ = ضریب ثابت $r = ۰،۸۷۳$ $r^2 = ۰،۷۶۲$ متغیر مستقل: انسجام اجتماعی				

جدول شماره ۴: بررسی میزان تأثیر شاخص های انسجام اجتماعی بر امنیت تصرف ادراکی

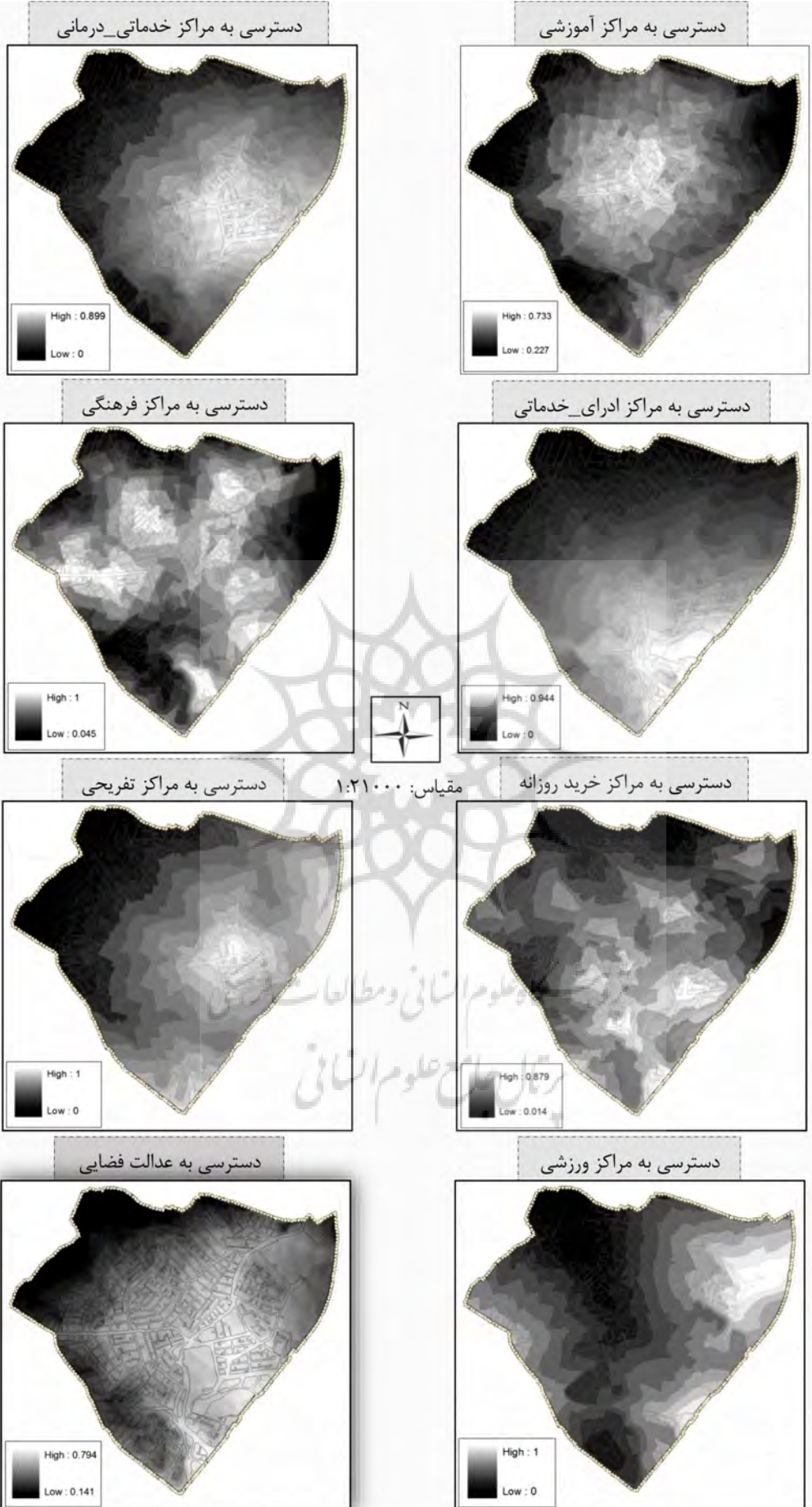
سطح معنی داری	ضریب همبستگی پیرسون	متغیر مستقل	متغیر وابسته
۰،۰۰۰	۰،۸۸۹	طول مدت سکونت	امنیت تصرف ادراکی
۰،۰۰۰	۰،۸۴۴	میزان قدرت و همبستگی سازمان های محلی	
۰،۰۰۰	۰،۹۶۴	میزان انسجام خویشاوندی و دوستان	
۰،۰۰۰	۰،۷۵۸	تمایل ساکنان برای همکاری در بهبود وضعیت سکونت	

جدول شماره ۵: رابطه میان دسترسی به عدالت فضایی و میزان امنیت تصرف ادراکی

سطح معنی داری	ضرایب استاندارد شده		ضرایب غیر استاندارد	
	Beta	Std. Error	B	Std. Error
۰،۰۰۰	۰،۸۰۲	۰،۰۰۳	۰،۱۳۲	
۰،۳۴۹ = ضریب ثابت $r = ۰،۷۹۲$ $r^2 = ۰،۶۲۷$ متغیر مستقل: دسترسی به عدالت فضایی				

جدول شماره ۶: بررسی میزان تأثیر شاخص های عدالت فضایی بر امنیت تصرف ادراکی

سطح معنی داری	ضریب همبستگی پیرسون	متغیر مستقل	متغیر وابسته
۰،۰۰۰	۰،۸۲۹	دسترسی به مراکز خرید روزانه	امنیت تصرف ادراکی
۰،۰۰۰	۰،۸۱۳	دسترسی به مراکز آموزشی	
۰،۰۰۰	۰،۷۳۶	دسترسی به مراکز تفریحی	
۰،۰۰۲	۰،۶۳۴	دسترسی به مراکز اداری-خدماتی	
۰،۰۰۰	۰،۷۴۸	دسترسی به مراکز فرهنگی	
۰،۰۰۱	۰،۶۴۰	دسترسی به مراکز ورزشی	
۰،۰۰۰	۰،۷۸۹	دسترسی به مراکز خدماتی-درمانی	



شکل شماره ۴: نحوه دسترسی به خدمات شهری براساس روش فازی

با توجه به نتایج آزمون‌های رگرسیون می‌توان گفت که وجود رابطه میان انسجام اجتماعی و عدالت فضایی با امنیت تصرف ادراکی در محله کشتارگاه شهر ارومیه، به اثبات رسیده است. همان‌طور که در بیان مسئله نیز گفته شد، این فرضیه‌های تحقیق برای پاسخ به سؤال اصلی تحقیق (حرکت به سمت پایداری اجتماعی چه تأثیراتی بر میزان امنیت تصرف ساکنان محله کشتارگاه خواهد داشت؟) تدوین شده بودند. با اثبات فرضیات تحقیق می‌توان گفت که حرکت به سمت پایداری اجتماعی می‌تواند زمینه‌ساز افزایش حس امنیت تصرف زمین و مسکن در ساکنان محله کشتارگاه باشد.

## ۷. نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی اثرات پایداری اجتماعی بر میزان امنیت تصرف ادراکی ساکنان محله کشتارگاه بوده است؛ بدین منظور برای تبیین پایداری اجتماعی از مؤلفه‌های عدالت فضایی و انسجام اجتماعی و برای سنجش میزان امنیت تصرف ادراکی از پنج شاخص استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد: - میزان امنیت تصرف ادراکی در محله پایین‌تر از حد متوسط بوده و این را می‌توان تا حد زیادی به عدم توجه سازمان‌های مدیریت شهری ارومیه و فقدان حمایت‌های سیاسی به خصوص از سوی شورای شهر ارومیه، نسبت داد. در سکونتگاه‌های غیررسمی معمولاً شاهد وجود همبستگی‌های قومی و نژادی هستیم که این را می‌توان به خوبی در محله کشتارگاه مشاهده کرد. میزان انسجام اجتماعی در این محله قابل توجه بوده و ساکنان از آن به عنوان نیرویی در برابر فشارهای خارجی مبتنی بر تخلیه و تخریب خانه‌های شان یاد می‌کنند. از طرفی این انسجام اجتماعی موجب شده که ساکنان نسبت به مشکلات محیط زندگی شان حساس باشند و پتانسیل بالقوه برای مشارکت در بهبود وضعیت سکونتگاهی شان وجود داشته باشد. از لحاظ میزان تأمین عدالت فضایی می‌توان گفت، خدمات شهری در این محله بیشتر در قسمت جنوبی آن مستقر شده و ساکنان نواحی شمالی این محدوده تا حد زیادی با مشکل روبه‌رو هستند. البته میزان دسترسی به خدمات شهری در این محله در حد متوسطی بوده که می‌توان دلیل آن را تا حد زیادی به متصل بودن محله به بدنه اصلی شهر، نسبت داد؛ بدین گونه که ساکنان برای رفع نیازهای خود بیشتر از خدمات موجود در محلات مجاور استفاده می‌کنند. - بررسی رابطه میان انسجام اجتماعی و عدالت فضایی با میزان امنیت تصرف ادراکی نشان داده است که با افزایش میزان انسجام اجتماعی و تحقق عدالت فضایی در محله کشتارگاه، میزان امنیت تصرف ساکنان نیز افزایش یافته است؛ بدین گونه که تغییری به اندازه یک واحد انحراف معیار در انسجام اجتماعی موجب تغییر ۰,۸۷۳ انحراف معیار در میزان امنیت تصرف ادراکی ساکنان و همچنین تغییری به اندازه یک واحد انحراف معیار در دسترسی به عدالت فضایی موجب تغییر ۰,۷۹۲ انحراف معیار در میزان امنیت تصرف ادراکی ساکنان محله می‌شود. با این نتایج می‌توان گفت که حرکت به سمت پایداری اجتماعی می‌تواند زمینه‌ساز افزایش

حس امنیت تصرف زمین و مسکن در ساکنان محله کشتارگاه باشد.

در یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان گفت: درست است که سند مالکیت از شاخص‌های مهم و پایه‌ای در میزان امنیت تصرف به خصوص در جامعه ایران است، ولی نبود آن به معنی نبود امنیت تصرف خانوار نیست؛ بلکه عوامل دیگری که جنبه عرفی (فراقانونی) و ادراکی داشته و ناشی از واقعیت‌های موجود در سکونتگاه‌های غیررسمی هستند، در ایجاد امنیت تصرف مؤثر هستند. در واقع تحقیقات پین (2004) و ون گلدن (2009) به نوعی در محدوده مورد مطالعه نیز تأیید شده‌اند. درست است قانونی کردن تصرف زمین یکی از عوامل اساسی در افزایش امنیت سکونتگاه‌های غیررسمی می‌باشد، ولی احتمال دارد که این مسئله نتایج منفی در بازارهای زمین و مسکن به همراه داشته باشد. این احتمال وجود دارد که ارائه سند مالکیت به ساکنان این سکونتگاه‌ها منجر به افزایش ارزش زمین و افزایش ناگهانی قیمت زمین شده و موجبات فروش مسکن توسط ساکنان به دهک‌های بالاتر را فراهم کند؛ امری که در محله کشتارگاه در دهه ۷۰ رخ داد و موجب شد که ساکنان پس از فروش خانه‌های سنددار شده، در اراضی شمال محله اقدام به مسکن‌سازی کرده و موجب گسترش محله کشتارگاه شوند. امروزه برای رسمیت‌بخشی به سکونتگاه‌های غیررسمی استفاده از ابزارهای میانجی‌گر مد نظر بوده، ابزارهایی که میزان ترس و نگرانی از تخلیه‌های اجباری را در این نواحی کاهش دهد و موجب افزایش امنیت تصرف ادراکی ساکنان شود. نتایج این تحقیق نشان داده است که حرکت به سمت پایداری اجتماعی در قالب افزایش انسجام اجتماعی و تأمین عدالت فضایی در دسترسی به خدمات شهری می‌تواند موجب افزایش امنیت تصرف ساکنان شود و به عنوان یک ابزار میانجی‌گر مورد استفاده قرار گیرد. می‌توان گفت که نتایج مطالعات باست (2005) و پریو و کریسول (2004) در محله کشتارگاه نیز قابل تعمیم بوده است؛ البته در این تحقیق مشخص شد که دسترسی به سایر خدمات مثل دسترسی به مرکز خرید روزانه نیز تا حد زیادی بر امنیت تصرف ادراکی ساکنان مؤثر می‌باشد. وجود انسجام اجتماعی قابل ملاحظه در محله کشتارگاه می‌تواند زمینه‌های تشکیل نهاد‌های محلی را فراهم آورد که این نهادها می‌توانند در توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی و تعامل با نهاد مدیریتی شهر و ایجاد شبکه‌های پشتیبانی، نقش مهمی را ایفا کنند. از طرفی سازمان مدیریت شهری ارومیه با ارائه خدمات شهری به ساکنان این محله می‌تواند آغازگر حرکت برای به رسمیت شناختن محلات غیررسمی باشد؛ می‌تواند میزان احتمال تخلیه اجباری سکونتگاه را در نزد ساکنان کاهش داده و از ذهنیت منفی ساکنان شهر در ارتباط با افراد ساکن در این محله بکاهد. البته گفتنی است که حرکت به سمت پایداری اجتماعی یکی از قطعات پازل توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی بوده که در این تحقیق بدان تأکید شده است و می‌بایست به سایر ابعاد و موضوعات نیز توجه شود؛ چرا که برخورد با سکونتگاه‌های انسانی به خصوص سکونتگاه‌های غیررسمی، نیازمند نگاهی همه‌جانبه و جامع می‌باشد.

Persian].

- Irandoust, K. (2009). Informal Settlements and Myth of Marginalization, Pardazesh va Barnamehrizi shahri. [In Persian].
- Macedo, J. (2008). "Urban land policy and new land tenure paradigms: Legitimacy VS. Legality in Brazilian cities", Land Use Policy 25, 259 – 270.
- Meshkini, A., Borhani, K. & Shaebanzadeh, R. (2013). "Spatial Analysis of Urban Social Sustainability in Tehran", Journal of Goghrafia, No. 39, PP. 186-211. [In Persian].
- Missimer, M. (2013). The social dimensions of strategic sustainable development, Blacking Institute of Technology.
- Murphy, K. (2012). "The social pillar of sustainable development: a literature review and framework for policy analysis", Journal of sustainability: science, practice & policy, 8 (1), 26-37.
- Mukhija, V. (2001). "Enabling Slum Redevelopment in Mumbai: Policy Paradox in Practice", Housing Studies, 18, 213-222.
- Nakamura, S. (2016 a). "Dose Slum Formalization without Title Provision Stimulate Housing Improvement? A Case of Slum Declaration in Pune, India", Urban Studies, 12, 35-45.
- Nakamura, S. (2016 b). "Revealing Invisible rules in Slums: the Nexus between Perceived Tenure Security and Housing Investment", Habitat International, 53, 151-162.
- Neuwirth, R. (2010). Shadow Cities: A Billion Squatters in New Urban World, Translated by Pourahmad, A. & et al, University of Tehran. [In Persian].
- Patel, K. (2016). Encountering the State through Legal Tenure Security: Perspectives from a Low Income Resettlement Scheme in Urban India, Land Use and Policy, 58, 102-113.
- Payne, G. (2001). "Urban land tenure policy option: Titles or rights?", Habitat International, 25, 415-429.
- Payne, G. (2002). Land, Right and Innovation: Improving Tenure Security for the Urban Poor, Intermediate Technology Publishing, and London.
- Payne, G. & Khemro B.H. (2004). "Improving

## References:

- Bassett, E.M. (2005). "Tinker with tenure: The community land trust experiment in Vio, Kenya", Habitat International 29, 375-398.
- City Alliance, (2002). Report of Cities without Slums; Section of security tenure for the Urban Poor.
- Dadashpour, H., Alizadeh, B. (2011). Informal Settlement and Land Tenure Security, Azarakhsh. [In Persian].
- Dempsey, N. (2008). "Does Quality of the Built Environment Affect Social Cohesion?", Journal of Urban Design and Planning, 161, 105-114.
- Dempsey, N. & et al (2011). "The Social Dimension of Sustainable Development: Defining Urban Social Sustainability", Journal of Sustainable Development, 19, 289-300.
- Dempsey, N. & et al (2012). "The Key to The key to Sustainable Urban Development in UK Cities?", Journal of Progress in Planning, 77, 94-101.
- De Soto, H. (2000). The Mystery of Capital: Why Capitalism Triumphs in the West and Failed Everywhere Else, Basic Books, New York.
- De Souza, F.A.M. & et al, (2001). "Illegal urban housing land in Brazil: Do we know enough about it?", Sao Paulo, 43, 332-343.
- Button, K. (2002). "City Management and Urban Environment Indicators", Journal of Ecological Economics, 40, 217-233.
- Habibi, K., Ahmadi, B. & Rahimi, A. (2013). "The Role of Tenure Security on the Physical Quality of Housing in Informal Settlements; Case Study: the Neighborhood of Islam Abad II in Urmia City", Journal of Motaleat E Barnamerizi shahri, No. 2. PP. 29-46. [In Persian]
- Hall, P. & Pfeiffer, U. (2003). Urban Future 21; A Global Agent for Twenty-first Century Cities, E & FN Spone, London.
- Harvey, D. (1997). Social Justice and City, Translated by Hesamiyan, F., Pardazesh va Barnamehrizi shahri. [In Persian]
- Irandoust, K. (2007). Informal Settlement: A symbol of unsustainable urban development, Thesis Ph.D., University of Shahid Beheshti. [In

consolidation in the Kampongs of Bandung”,  
Indonesia, Habitat International 34, 78-85.

tenure security for the urban poor in Phnom Penh,  
Cambodia: an analytical case study”, Habitat  
International 28, 181-201.

- Piran, P. (2002). “Again in the Informal Settlements”, Journal of Haft Shahr 9 & 10, PP. 7-24. [In Persian].
- Pourmohammadi, M.R. (2006). Urban Land Use Planning, SAMT. [In Persian].
- Porio, E. & Crisol, C. (2004). “Property rights, security of tenure and urban poor in Metro Manila”, Habitat International, 28, 203-219.
- Rafieiyan, M. (2004). The Project of Informal Settlements Empowerment in Bandar Abbas, Maskan va ShahrSazi. [In Persian].
- Razaviyan, M.T. (2002). Land Use Planning, Monshi. [In Persian].
- Riley, J. (2001), “Indicator Quality for Assessment of Impact of Multidisciplinary Systems”, Journal of Ecosystems and Environment, 87, 121-128.
- Sarrafi, M. (2003). Reviews the Features of Spontaneous Settlement in Iran: Search of Empowerment Strategies, Journal of Modiriyat E shahri, No. 10. PP. 45-56. [In Persian].
- Simbizi, M.C.D. & Bennet, R.M. & Zevenbergen, J. (2014). “Land Tenure Security: Revisiting and Refining the Concept for Sub-Saharan Africa’s Urban Poor”, Land Use Policy, 36, 231-238.
- Tarh-va-Amayesh Consulting Engineers, (2006). Comprehensive Plan of Urmia, Maskan va ShahrSazi. [In Persian].
- UN-HABITAT, (2003). The Challenge of Slums, [www.unhabitat.org](http://www.unhabitat.org)
- UN-HABITAT, (2004). Financing Urban Shelter, Earthscan.
- Van Gelder, J.L. (2007). “Feeling and thinking: quantifying the relationship between perceived tenure security and housing improvement in an informal neighborhood in Buenos Aires”, Habitat International, 31, 219-231.
- Van Gelder, J.L. (2009). “What tenure security? The case for a tripartite view”, Land Use Policy, 27, 449-456.
- Van Gelder, J.L. & Reelink, G. (2010). “Land titling, Perceived tenure security, and housing

۴۱

شماره بیستم

پاییز ۱۳۹۵

فصلنامه  
علمی-پژوهشی

مطالعات  
شهری

تحلیل اثرات پایداری اجتماعی بر میزان ادراک  
امنیت تصرف در سکونتگاه‌های غیررسمی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی